

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار عمل صالح

در جلسات قبل به مرور و بررسی آیات قرآن در مورد آثار عمل صالح پرداخته شد که در این

جلسه آیات را پی خواهیم گرفت:

✓ سوره سبأ - آیه ۴:

«لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»

در این آیه دو پاداش برای افراد مؤمنی که عمل صالح انجام می دهند ذکر شده است:

(۱) مغفرت: گاهی «مغفرت» به معنی بخشش از گناهان می باشد ولی مفهوم آن منحصر در این

نمی باشد. بلکه «مغفرت» یک نوع مقام معنوی است که در واقع سرپوش گذاشتن روی مقام پایین تر و

ارتقاء به مقامی بالاتر می باشد.

(۲) رزق کریم: به هر نوع روزی مادی و معنوی مثل قرب الی الله، «رزق» گفته می شود.

✓ سوره سبأ - آیه ۳۷:

«وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ

الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ»

در این آیه، خداوند سه پاداش ویژه برای کسانی که مؤمن هستند و عمل صالح انجام می دهند، در

نظر گرفته است:

(۱) جَزَاءُ الضَّعْفِ: در اثر عملی که انجام داده اند، پاداش دو برابر می گیرند. گاهی چشم امید انسان به

عملی است که انجام داده، ولی گاهی انسان تمام اعمالی را که انجام داده در مقابل خداوند، هیچ می‌داند و فقط چشم امید به فضل الهی دارد تا از روی لطف و تفضل خود، اعمال ناچیز او را قبول کند. اینجاست که خداوند، پاداش مضاعف به او می‌دهد.

عارف بزرگی مثل امام خمینی^(ره) می‌گوید من تا به حال دو رکعت نماز هم برای خداوند نخوانده‌ام.

این بیان، تعارف و حرف نیست، بلکه واقعاً تمام اعمال خود را به حساب نمی‌آورد و امیدوار است به فضل الهی. نگاه امام^(ره) چنین دیدگاهی است.

انسانی که به عمل خودش چشم دوخته، در مقابل، به همان اندازه پاداش می‌گیرد، ولی انسانی که

عملش را در مقابل خداوند هیچ می‌داند و فقط به فضل الهی امید دارد، خداوند به او پاداش مضاعف می‌دهد، اجر او را هزاران برابر می‌کند، به اندازه‌ی بزرگی خودش که بی اندازه و بی نهایت است، پاداش می‌دهد، نه به اندازه‌ی عمل فرد که محدود است.

برخی به انجام عمل صالح اهمیت نمی‌دهند و با جمله‌ی معروف « دلت پاک باشد! » خودشان را

توجیه می‌کنند که در جلسات قبل به طور مفصل، بیاناتی در رد آن ارائه شد. این آیه نیز در دو جا بر

انجام عمل تاکید می‌کند: « عَمِلَ صَالِحاً » و « بِمَا عَمِلُوا » یعنی این پاداش در مقابل انجام عمل، داده

می‌شود و بدون عمل و بدون صالح شدن، نمی‌توان مستحق بهشت شد. و به عبارتی همان جمله‌ی

معروف شهید بهشتی^(ره) مصداق پیدا می‌کند که: « بهشت را به بها دهند، نه به بهانه »

ولی اگر انسان عملش را هیچ بداند و چشم به فضل خدا داشته باشد آنجاست که به قول آن عارف

باید گفت: « بهشت را به بهانه دهند، نه به بها » چرا که ما از خودمان بهایی نداریم که در مقابل

خداوند عرضه کنیم. این که عرفا می‌گویند، تکیه بر علم، عمل و فضل خود در طریقت کافریست، به همین معناست. بنابراین دو سخن که «بهشت را به بها دهند نه به بهانه» و «بهشت را به بهانه دهند نه به بها» قابل جمع است.

بر این اساس ما باید بر عمل صالح اهتمام جدی داشته باشیم، ولی با این وجود، با دست خالی به درگاه الهی پا بگذاریم.

گاهی انسان، خود را در مقایسه با دیگران، صاحب عمل می‌شمرد و مستحق بهشت می‌داند. (اگر ما بهشت نرویم، پس چه کسی برود؟!) چنین فردی اگر هم به بهشت برود، به همان اندازه‌ی عملش پاداش خواهد گرفت. ولی فرد دیگری با وجود جدیت در عمل صالح، کوتاهی عمل دیگران را به حساب نقصان و نا آگاهی می‌گذارد و خودش را از همه پایین‌تر و مقصّر می‌شمارد، و در مقابل عمل ناچیزی که انجام داده، فقط به فضل خداوند امیدوار است، اینجاست که خداوند پاداش او را مضاعف می‌کند.

۲) «فی الغُرُفَات» : منظور از غرفه در این آیه، طبقات بالای بهشت می‌باشد.

۳) « آمِنُونَ » : ایمنی مطلق، مؤمنانی است که عمل صالح انجام می‌دهند. بحث «امن» و «سلام» با

بحث « عصمت » نزدیک است، چرا که حد نهایت ایمن بودن، همان عصمت است. مقام « امن » یعنی مصونیت مطلق از هر جهت. هیچ عمل و یا فکری « آمِنُونَ » را تهدید نمی‌کند و قلب آنها در آرامش مطلق به سر می‌برد.

✓ سوره فاطر-آیه ۷:

«... وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»

از آنجایی که انجام عمل صالح، کار آسانی نیست، لذا خداوند برای آن «اجر کبیر» در نظر گرفته است. بزرگی فرد و پاداش به ازای سختی عمل می‌باشد.

✓ سوره فاطر-آیه ۱۰:

«... إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...»

این آیه از غرر آیات قرآن می‌باشد که در بین آیات می‌درخشد. «کَلِم» اسم جنس جمع کلمه، گاهی به معنی سخن و گاهی به معنای اعتقاد می‌باشد. لفظ «قول» هم به معنای گفتار و سخن می‌باشد ولی در قرآن، در بسیاری از آیات به معنای اعتقاد می‌باشد؛ چه بر زبان جاری شود، چه نشود.

در این آیه «کَلِم» به معنی اعتقاد و «کَلِم طَيِّب» یعنی اعتقادات پاک.

اگر به عبارت «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» توجه کنیم، «إِلَيْهِ» که جار و مجرور و باید بعد از فعل بیاید، قبل از آن و در ابتدای عبارت آمده است. تقدم «إِلَيْهِ» در عبارت، افاده‌ی حصر می‌باشد، یعنی منحصرأ اعتقاد پاک است که به سوی او صعود می‌کند. یعنی آنچه که حقیقتاً انسان را بالا برده و موجب صعود انسان می‌شود، اعتقاد پاک است.

شاید برخی این عبارت را تأییدی به نظر «دلت پاک باشه!» بدانند، در حالی که ادامه‌ی آیه

می‌فرماید: «وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» عمل صالح است که آن اعتقاد پاک را بالا می‌برد.

چه عاملی باعث ارتقاء یقین و اعتقادات در انسان می‌شود؟ فقط عمل صالح. تا زمانی که انسان
اعضاء و جوارح خود را کنترل نکند، فکر و ذهن را در اختیار نگیرد، نمی‌تواند به یقین دست یابد، به
حیات معنوی برسد و به شهود و لقاء الله برسد، راه رسیدن به همه‌ی اینها فقط عمل صالح است.
برخی آیه را این گونه معنا کرده‌اند که اعتقاد پاک، عمل صالح را بالا می‌برد. ولی نظر علامه
طباطبایی^(ره) و برخی مفسران دیگر خلاف این است: عمل صالح است که اعتقاد پاک را بالا می‌برد.
البته صعود به این معنا نیست که خداوند در ارتفاع قرار دارد و اینها مثل پرنده به سوی بالا
پرواز و صعود می‌کنند، بلکه منظور، صعود معنوی است. مثلاً اگر می‌گوییم افق فکری شخصی بالاست،
این به معنای بالا بودن جسمی نیست. اگر می‌گوییم خداوند بالاست، یعنی خداوند بالاترین مرتبه‌ی
وجودی است و صعود به سوی خداوند، در واقع نزدیک شدن به این مراتب است؛ و این ممکن نمی‌شود
مگر با اصلاح تمام اعماق وجود انسان که را آن، عمل صالح است.
اگر بخواهیم از دید فلسفی به موضوع نگاه کنیم، چون عاقل و معقول یکی است (اتحاد عاقل و
معقول) و اعتقاد پاک با روح انسان همراه است، فرق نمی‌کند بگوییم روح انسان بالا می‌رود و یا این
اعتقاد پاک است که صعود می‌کند.

در هر حال، روح انسان با کلم طیب بالا می‌رود و این عمل صالح است که باعث این صعود
می‌شود.

✓ سوره غافر - آیه ۸:

«رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ...»

یکی از نتایج عمل صالح این است که انسان مورد شفاعت قرار می‌گیرد. انسانی که حد نصاب

عمل صالح را داشته باشد می‌تواند مورد حداقل شفاعت قرار گیرد. شفاعت کننده و شفاعت شونده دارای

شرایطی هستند که یکی از شرایط لازم برای مورد شفاعت قرار گرفتن، این است که انسان حد نصاب

اعتقاد پاک و عمل صالح را داشته باشد.

این آیه از زبان مؤمنین و صالحین مراتب بالا می‌باشد که از خداوند می‌خواهند، آنها را به بهشت

عدنی که وعده فرمودی داخل کن و به همراه آنها پدرانشان، همسرانشان و نسل و فرزندانشان را به

شرطی که «مَنْ صَلَحَ» صالح باشند و ملتزم به عمل صالح.

از آیه می‌توان فهمید که این گروه دارای حد نصاب عمل صالح هستند ولی نه به اندازه‌ای که

بتوانند وارد جنات عدن شوند، لذا باید همراه صالحین حقیقی شده و به واسطه‌ی آنها وارد بهشت شوند.

ونتیجه این که شفاعت، نصیب هر کسی نمی‌شود، بلکه شفاعت شونده باید حد نصاب عمل صالح

و اعتقاد پاک را داشته باشد.

✓ سوره غافر- آیه ۴۰:

«... وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»

کسانی که عمل صالح انجام دهند، وارد بهشت خواهند شد، به شرط آن که مؤمن باشند (در این

آیه هم «حسن فعلی» تأکید شده و هم «حسن فاعلی») و در بهشت به آنها «روزی» داده می‌شود.

«رزق» و «روزی» به آن چیزی گفته می‌شود که موجب ادامه‌ی حیات در انسان می‌شود.

همانطور که خوردن و خوابیدن، دیدن و شنیدن و ... برای ادامه‌ی حیات دنیوی انسان لازم هستند

و رزق و روزی دنیوی می‌باشند. انسان برای ادامه‌ی حیات معنوی خود نیز نیاز به روزی دنیوی می‌باشند.

انسان برای ادامه‌ی حیات معنوی خود نیز نیاز به روزی معنوی دارد. لذا خداوند به کسانی که مؤمن هستند و عمل صالح انجام می‌دهند، همه‌گونه روزی عنایت می‌کند. هم روزی مادی و هم روزی معنوی.

ولی به چه اندازه؟ «بَغِیْرِ حِسَابٍ». (اگر کسی به اعمال خودش چشم داشته باشد، به همان اندازه پاداش می‌گیرد، ولی اگر عمل خود را هیچ بداند و چشم امیدش فقط به فضل الهی باشد، بدون اندازه و بی حساب پاداش خواهد گرفت.

«بَغِیْرِ حِسَابٍ» را به گونه‌ی دیگر نیز می‌توان تفسیر کرد. عمل صالح با تبدیل سیئات به حسنات موجب صلاحیت وجودی انسان می‌گردد و چون انسان صالح در اثر عمل صالح، پاک می‌شود، لذا خداوند اساساً از او حساب هم نمی‌کشد.

✓ سوره فصلت - آیه ۴۶:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ»

انسان چه عمل صالح انجام دهد و چه کار زشت و ناپسند، در حق خودش انجام داده است. بنا براین بزرگترین اثر عمل صالح، اصلاح نفس و روح است. هر کس عمل صالح انجام دهد، روح خودش را اصلاح کرده و هر کس کار ناپسند کند، به ضرر نفس و روحش عمل کرده است و خداوند به کسی

ظلم نمی‌کند. بنا به تعبیر علامه حسن زاده‌آملی به نقل از علامه طباطبایی^(ره) روح انسان، تصویر عمل اوست، انسان با عمل صالح، روح خویش را تصویر می‌کند. صورت ظاهری و جسمی ما خدادادی و اکتسابی است و ما در شکل‌گیری آن نقش نداریم. ولی صورت روحانی ما به دست خودمان داده شده تا با امکاناتی که خداوند در اختیار ما گذاشته، هر گونه بخواهیم با عمل آن را بسازیم و تصویر کنیم. معماری روح ما به دست خودمان است.

آیات مشابه دیگری در قرآن وجود دارد که همین معنا را تأکید می‌کند.

✓ سوره شوری-آیه ۲۲:

«... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»

«روضات» جمع «روضه» و به معنی باغ و در اینجا مقصود بهشت می‌باشد که پاداش مؤمنانی

است که عمل صالح انجام می‌دهند.

«لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ»: این یک نعمت فوق‌العاده‌ای است که خداوند برای صالحین در

نظر گرفته و هر چه بخواهند و اراده کنند، در نزد خداوند برایشان آماده و مهیا خواهد شد. این پاداش

فوق‌العاده برای عموم صالحین می‌باشد و بالاتر از این برای صالحین خاص در نظر گرفته شده است که

در سوره ق آیه ۳۴ و ۳۵ می‌فرماید:

«ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ.»

هر چه بخواهند و در تصوّر آنها بگنجد برایشان مهیاست و علاوه بر آن به بسیاری از نعمتهای

الهی که در تصوّرشان هم نمی‌گنجد، دست می‌یابند.

« مایشاء» یعنی هر چه بخواهد و اراده کند، هر چه فکر و ذهنش برسد. ولی بسیاری چیزها در

افق فکری ما نمی‌گنجد، مثل یک کودک که مثلاً بالاترین تعداد را هزار می‌داند و بیش از آن در تصوّرش

نمی‌گنجد و تازه معنای واقعی همان هزار را هم نمی‌داند.

لذا در روایات داریم که خداوند در بهشت نعمتهایی را به بهشتیان می‌دهد که در فکرشان هم

نمی‌گنجد و به قلب هیچ بشری هم خطور نکرده است.

در بهشت خداوند افق‌های تازه‌ای برای بهشتیان می‌گشاید و نعمتهایی می‌دهد که در تصوّر آنها

نمی‌گنجد: (ولدینا مزید)

✓ سوره شوری-آیه ۲۶:

« وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ »

این آیه نیز مشابه عبارت (ولدینا مزید) می‌باشد که توضیح داده شد.

خداوند مؤمنینی را که عمل صالح انجام می‌دهند، اجابت می‌کند و می‌پذیرد. و از روی فضل

خود، بر نعمتها و پاداش صالحین می‌افزاید.

لذا بزرگان همواره تاکید می‌کنند انسان به فضل الهی امید ببندد نه عمل خودش، تا خداوند هم با

فضلش با او برخورد کند که: «الهی! عاملنا بفضلک ولا تعاملنا بعدلک» مصداق همین درخواست است.^۱

^۱. البته دعایی با این عبارت از ائمه (ع) روایت نشده است، بلکه مضمونی است برگرفته از کلام ائمه (ع).

✓ سوره جاثیه-آیه ۱۵:

« مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ »

مشابه سوره فصلت آیه ۴۶ می باشد که توضیح داده شد.

هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی

✓ سوره جاثیه-آیه ۳۰:

« فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ »

یکی از نتایج معنوی عمل صالح، رحمت الهی است. صالحین مشمول رحمت خاص خداوند

می شوند و صالحین خاص به رحمت اخص الهی نائل می شوند.

گاهی ما از خداوند رحمت او را طلب می کنیم: « رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً (سوره کهف - آیه ۱۰) »

ولی گاهی خداوند به ازای عمل صالح، انسان را در رحمت خودش غوطه ور می کند. این دو با هم خیلی

متفاوتند: رحمتی از خدا و غوطه ور شدن در رحمت خدا.

ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ: « فوز » یعنی کامیابی و رستگاری و رسیدن به چیزی که کسی به آن

نرسیده است.

راه رسیدن به این رحمت خاص و رستگاری آشکار، عمل صالح است.

✓ سوره محمد (ص)-آیه ۲:

« وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

وَ أَصْلَحَ بِأَلْحَمَّ »

«كَفَّرَ» یعنی پوشاند . «کافر» انسانی است که حق را می پوشاند و کشاورزان هم از این جهت که

روی بذر را می پوشانند «كَفَّار» نامیده شده اند.^۱

خدواند به ازای عمل صالح « كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ » روی گناهان آنها را می پوشاند، گناهان را

نادیده می انگارد و می زداید. این نادیده گرفتن تکوینی است یعنی گناه را به طور کلی از وجود آنها

می زداید و محو می کند و به جای آنها، حسنه می گذارد.

و پاداش بالاتر: «و اصلح بالهم» حال ایشان را اصلاح و به سامان می کند. «بال» به معنی امر و

شان و حال می باشد و علامه طباطبائی^(ره) در این آیه آن را حال معنی می کند یعنی خدواند حال معنوی

آنها را اصلاح و به سامان می کند.

انسان در اثر گناه، حال معنوی اش خراب می شود و مدام می پرسد چه کنم که حال معنوی ام

دوباره خوب شود. از این آیه می توان فهمید راه چاره عمل صالح است. انسان باید مجدداً عمل خود را

صالح کند تا حال معنوی اش هم اصلاح شود.

چرا در آیه از لفظ مفرد استفاده شده (بالهم) و جمع به کار نرفته است؟ معلوم می شود این حال،

یک حالی است در جامع تمام حال ها و شؤون دیگر و آن « توحید» است. در قرآن مطالب توحیدی

معمولاً مفرد می آید. بنابراین یکی از نتایج معنوی عمل صالح، اصلاح حال توحیدی انسان، توجه به

وحدت و توجه به حق می باشد.

البته منافاتی ندارد که اصلاح امور مادی و دنیوی را هم از نتایج عمل صالح بدانیم. خداوند امور

^۱.سوره فتح-آیه ۲۹

مادی صالحین را نیز به سامان می‌کند و آنها را از گرفتاری‌های مادی و دنیوی، زن و فرزند،

نگرانی از آینده و... رهایی می‌بخشد.

ولی معنای بالاتر آن، اصلاح امور توحیدی انسان می‌باشد؛ همان که بالاترین و اصلی‌ترین کار

انسان است که تمام عمرش را باید در آن صرف کند و درسایه اصلاح آن، بقیه امور او نیز سامان

می‌گیرد.

✓ سوره محمد (ص) - آیه ۵ :

« سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالِهِمْ »

خدواند آنها را مشمول هدایت معنوی می‌کند و حالشان را اصلاح می‌کند.

✓ سوره محمد (ص) - آیه ۱۲ :

« إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... »

در آیات مشابه توضیح داده شد.

✓ سوره فتح - آیه ۲۹ :

« ... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا »

پاداش صالحین در این آیه، اجر عظیم و بزرگ ذکر شده است. اگر دقت کنیم بیان مواردی مثل

«اجراً عظيماً»، «اجر كبرى»، «جزاء الضعف» و... در آیات قرآن در پاداش صالحین، مبین سختی انجام

عمل صالح می‌باشد.

✓ سوره تغابن - آیه ۹:

«... وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

در مورد « يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ»، « يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ» و « الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» که از آثار عمل صالح می باشد

و در این آیه ذکر شده است در آیات مشابه قبلی توضیح داده شد.

✓ سوره طلاق - آیه ۱۱:

« لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ

صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا»

عمل صالح موجب می شود تا انسان از ظلمات و تاریکی معنوی به نور، هدایت و توحید راه

پیدا کند و تا به این وسیله مؤمنینی که عمل صالح انجام می دهند، وارد بهشت می شوند.

در قرآن «ظلمات» جمع به کار رفته که نشان از تکرر و تاریکی ها است، در مقابل «نور» که

مفرد آمده و مبین وحدت و توحید است.

رزق مورد اشاره در آیه، هم رزق مادی را شامل می شود و هم رزق معنوی.

✓ سوره انشقاق - آیه ۲۵:

«إِنَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»

✓ سوره بروج - آیه ۱۱:

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ»

✓ سوره تین - آیه ۶:

«إِنَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»

(در مورد این آیه قبلاً توضیح داده شد)

✓ سوره بینه - آیه ۷:

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

از این آیه برمی آید که عمل صالح بستر خیر البریه یعنی از جمله بهترین موجودات شدن انسان

است.

✓ سوره ی عصر:

«وَالْعَصْرِ (۱)»

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِنَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)»

«خسر» و زیانکاری در این آیه یعنی که انسان نه تنها سود و نفعی نمی برد، بلکه اصل سرمایه را

نیز می بازد و از دست می دهد. سرمایه انسان چیست؟ روح و وجود انسان سرمایه اصلی اوست.

این آیات بیانگر آن است که همه انسانها زیانکارند، مگر یک گروه. گروهی که ایمان بیاورند و

عمل صالح انجام بدهند. بنابراین ایمان و عمل صالح راه رهایی از خسران و زیانکاری می باشد.

سپس در ادامه به عنوان ذکر خاص بعد از عام، دو نمونه از اعمال صالح را بیان می کند: « و

تَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» توصیه و سفارش کردن یکدیگر به انجام حق و ثابت قدم بودن در این

راه یکی از اعمال صالح است. (همین جلسات علمی و دینی، یکی از مصادیق توأسی به حق می باشد) و عمل صالح دیگر سفارش و تشویق یکدیگر به صبر. «صبر» معنای گسترده ای دارد: شکیبایی در برابر مشکلات روزگار، ایستادگی در برابر هوای نفس صبر بر انجام حلال، صبر بر دوری از حرام و معصیت، همگی از مصادیق «صبر» هستند و توصیه یکدیگر به ایستادگی در مقابل هوای نفس و گناه، جزء اعمال صالح می باشد. البته در روایات ما مراتب بالاتری از صبر هم اشاره شده است. مثل صبر در راه حق، صبر در بریدن از غیر حق، و رسیدن به خود حضرت حق.

در هر حال، این آیات گویای آن است که انسان با عمل صالح می تواند خود را از زیانکاری

دور کند.

با این بحث، موضوع «عمل صالح» در قرآن کریم پایان می یابد و در ادامه این بحث را در

نهج البلاغه، پی خواهیم گرفت. ان شاء الله

خدایا به محمد و آل محمد^(ص) همه ما را جزء عاملان به صلاح و از بالاترین مراتب صالحین قرار

بده.

آمین!